

مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز ۱۴۰۳ (ص ۱ - ۱۵)

دریافت: مرداد ماه ۱۴۰۳ پذیرش: مهر ماه ۱۴۰۳

بررسی قاعده ممنوعیت ایذاء مسلمان و کاربردهای آن در حقوق کیفری

Examining the prohibition of harming Muslims and its applications in criminal law

محمد علی حاجی ده آبادی/ دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه قم.
سید حسن هاشمی/ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه قم.
مهران گرجی زاده/ کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران - بابلسر.

Mohammad Ali Haji Dehabadi/ Phd of Criminal Law and Criminology, Associate Professor of Qom University Law School.

dr_hajidehabadi@yahoo.com

Seyed Hasan Hashemi/ Master of Criminal Law and Criminology, University of Qom.

Mehran gorjizadeh/ Master student of Quranic and Hadith Sciences, Mazandaran university.

Abstract

The rule of prohibition of harming a believer is stated in jurisprudential and narrative works with various interpretations. Harassment means harassment, it is divided into physical, psychological and financial according to the type of injury, and considering that it is exclusive to believers, it has a rational prohibition against all human beings, but this prohibition has exceptions that remove it and the ruling It changes it (from respect to demand). By analyzing and knowing this rule in jurisprudence in a descriptive and analytical way, the present research examines its applications in criminal law. What is obtained from the Islamic Penal Code and other related laws of Iran is the adaptation of a part of these laws with Islamic teachings on torture. The rule of prohibiting harming believers can guarantee the observance of the rights of the people present in the criminal proceedings and also be useful in the way of criminalization and in cases of silence of the legislator regarding the criminalization of a behavior and its punishment.

چکیده

قاعده ممنوعیت ایذاء مؤمن، در آثار فقهی و روایی با تعابیر گوناگون بیان شده است. ایذاء به معنای آزار و اذیت است از جهت نوع صدمه به جسمی، روانی و مالی تقسیم می‌شود و با توجه به اینکه منحصر به مؤمنان است اما نسبت به تمامی انسان‌ها دارای ممنوعیت عقلایی است اما این ممنوعیت، دارای استثنائاتی است که آن را رفع می‌نماید و حکم آن را (از حرمت به ایجاب) تغییر می‌دهد. پژوهش حاضر با تحلیل و شناخت این قاعده در فقه به صورت توصیفی تحلیلی، کاربردهای آن را در حقوق کیفری مورد بررسی قرار می‌دهد. آنچه که از قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین موضوعه ایران به دست می‌آید انطباق بخشی از این قوانین با آموزه‌های اسلامی در مورد ایذاء است. قاعده ممنوعیت ایذاء مؤمن، می‌تواند تضمین‌کننده رعایت حقوق افراد حاضر در فرایند دادرسی کیفری باشد و همچنین در شیوه جرم‌انگاری و در موارد سکوت قانون‌گذار نسبت به جرم دانستن یک رفتار و مجازات آن مفید واقع شود.

کلیدواژه‌ها: ممنوعیت، آزار، مؤمن، فقه، حقوق کیفری.

Keyword: Prohibition, abuse, believer, jurisprudence, criminal law.

مقدمه

از جمله مباحث بسیار مهم در آموزه‌های اسلامی، حرمت و حفظ کرامت انسان‌ها است که مؤمنین در صدر این موضوع قرار دارند. توصیه‌های ویژه‌ای در اسلام در خصوص شأن و منزلت مؤمنان دیده می‌شود که دستور صریح به پرهیز از ایذاء و اذیت مؤمنان دارد. از جمله مباحثی که در حقوق کیفری کاربردها و راه‌گشایی‌هایی قابل توجهی می‌تواند داشته باشد، قاعده حرمت ایذاء مؤمن است که دست‌کم با این عنوان و از این زاویه تحلیل و بررسی کمتری توسط قواعد پژوهشان فقه جزایی شده است. در این مقاله ابتدا به بررسی ماهیت و دلایل اعتبار و حجیت این قاعده از منظر فقهی و سپس دلالت‌ها و کاربردهای آن در حقوق کیفری به صورت موردی و کلی بررسی خواهد شد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

قاعده حرمت ایذاء مومن منجر به رشد و نگرش جدید در حفظ حقوق شهروندی می‌گردد، که اگر نخواهیم به این قاعده توجه کنیم ضعف‌های قانون گذاری و در پاره‌ای از موارد در بازجویی‌ها و اجرای احکام باعث نقض حقوق انسان‌ها خواهد شد. لذا ضرورت به رسمیت شناختن آن در قانون و فقه کمک شایانی به حفظ کرامت و جایگاه انسانی دارد، و هجمه‌های زیادی از حملات ضد حقوق بشری را که در حوزه‌ی قوانین کیفری وجود دارد را از روی دوش جامعه اسلامی بر خواهد داشت.

پیشینه پژوهش

پیشینه یا سابقه هر تحقیق با توجه به موضوع آن که قبل از این وجود داشته شناخته می‌شود. اما تحقیق حاضر اگر بخواهیم، با توجه به عنوان آن پیشینه خاصی در نظر بگیریم، به دلیل جدید بودن آن، تحقیقی در این زمینه وجود ندارد اما در کتاب‌های فقهی مانند فقه‌العلومه، وسائل‌الشیعه، تحریر الوسیله و... می‌توان مطالبی و توضیحات مختصری را یافت و هم‌چنین مطالب مرتبط با آن که در تکمیل تحقیق به ما کمک می‌کنند مثل در مورد قذف، افترا و... می‌توانند پیشینه محسوب شوند و هم‌چنین مقالات حقوقی و درس‌های خارج از فقه بعضی از فقها که در این زمینه وجود دارد.

اهداف و فرضیه‌های پژوهش

هدف از پژوهش حاضر، بررسی فقهی ایذاء مومن در منابع اسلامی و مطالعه آن در حقوق کیفری می‌باشد؛ تا میزان تطبیق مصادیق فقهی ایذاء مومن را با مصادیق موجود در حقوق کیفری بیان نماید و در نهایت به شناسایی کاستی‌ها و ارائه راهکارهای مناسب بپردازد.

روش پژوهش

روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و تحلیلی می‌باشد.

مفاهیم

ماهیت شناسی مفاهیم کلیدی موضوع پژوهش از ضرورت‌های ورود به بحث م‌یباشد به طوری که وقتی سخن از این مفاهیم به میان می‌آید مراد و منظور مشترکی فهمیده شود با توجه به تکرر و تنوع آراء و اندیشه‌های انتزاعی و غیر واقع‌ضرورت دارد ابتدا واژه‌ها و مفاهیم پژوهش سپس مبانی نظری آن مورد بحث قرار گیرد.

۱- تبیین فقهی قاعده

شناخت مفاهیم این قاعده یعنی ممنوعیت، مؤمن و ایذاء حائز اهمیت است (گفتار اول)، و هم چنین لازم است دلایل قرآنی و روایی ارائه شده بر اعتبار این قاعده را مورد تحلیل قرارداد (گفتار دوم) و در نهایت استثنائات این قاعده مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱. معنا و مفهوم قاعده

ساختار این قاعده از سه واژه ممنوعیت، مؤمن و ایذاء است که برای دریافت ژرفای این قاعده شناخت آنها لازم است. مفهوم مصطلح سه واژه به‌دوراز معنای لغوی آنها نیست.

دیدگاه‌های متفاوتی در شناخت مفهوم مؤمن وجود دارد. عده ایی بر این نظرند که مؤمن کسی است که با قلب خود به خدا و پیامبر اسلام یقین دارد. این دیدگاه مورد قبول اشاعره و عده ایی از فقهای امامیه است.^۱ برخی در تعریف مؤمن بیان داشته‌اند که اگر انسان فقط به زبان اقرار به شهادتین دهد بدون اینکه تصدیق قلبی و یا سایر اعمال را انجام دهد مؤمن واقعی است.^۲ برخی آیات^۳ دلالت بر این دارند که میان ایمان و اسلام تفاوت وجود دارد و مؤمن کسی است که متصف به وصف ایمان باشد.^۴ با وجود نظرات متعدد در این زمینه، قاعده مزبور با تعبیری مانند: «ایذاء مسلم حرام بوجوب التعزیر» و «ایذاء مسلم حرام قطعاً و بلا تردید» به‌کاررفته است که نشان از به‌کاری‌گیری واژه مسلم به‌جای مؤمن دارد.^۵ و البته این موضوع دلیل بر یکسان بودن معنای مؤمن و مسلم نیست و صرفاً بر این موضوع دلالت می‌نماید که ایذاء مسلمان هم مورد تأیید است. بدین ترتیب مؤمن شخصی است که متصف به وصف ایمان باشد و از این حیث با مسلمان که تنها شهادتین را بر زبان می‌آورد متفاوت است. اما با توجه به دیدگاه‌های متفاوت صاحب‌نظران نمی‌توان تعریف یکسانی ارائه داد.

در رابطه با «ایذاء» نمی‌توان تعریف اصطلاحی مدونی را در فقه برای آن یافت و همان‌طور که بیان شد معنای اصطلاحی آن به‌دوراز معنای لغوی نیست و عین معنای لغوی است که عبارت است از رنج و آزار، عذاب و زحمت، جور و ستم و جفا، تصدیق و آزرده‌گی.^۶ اما آنچه دارای اهمیت است گونه‌های مختلف ایذاء است که در متون فقهی به چشم می‌خورد. از جمله آنها ایذاء جسمی و روحی است که در برخی موارد ضمانت اجرای آنها حد است و در برخی دیگر تعزیر می‌باشد.^۷ البته گونه‌های دیگر از ایذاء مانند ایذاء مالی وجود دارد که در کتب فقهی به‌طور محدود برای آن حد یا تعزیر قرار داده شده است مواردی مانند سرقت، اختلاس، استلاب و احتیال از جمله آنها هستند.^۸ دیگر موضوع مهم در خصوص ایذاء، نحوه ارتکاب آن است. در واقع ایذاء از این جهت که هم با فعل و هم به‌صورت ترک فعل رخ می‌دهد حائز اهمیت است. ایذاء ممکن است به‌صورت مستقیم (بالمباشره) و یا غیرمستقیم (بالتسبیب) ارتکاب یابد. همچنین ایذاء را می‌توان به‌صورت اصابتی و غیر اصابتی^۹، فردی و جمعی و مجازی^{۱۰} مورد بحث قرارداد.

تعریف از ممنوعیت آنچه ابتدا به ذهن متبادر می‌شود حرمت است. حرمت از ریشه «حرم» و برگرفته و از ماده «ح ر م» به معنای «منع» است. حرام بر وزن فعال از همین ماده، به رفتار یا چیزی گفته می‌شود که حرمت بدان تعلق یافته و انجام آن ممنوع باشد.^{۱۱} در واقع طبق نظر علمای متأخرین علم اصول نهی عبارت است از اینکه کسی که از نظر رتبه بالاتر است، شخصی را که از نظر رتبه

^۱ تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۴۱۲ق)، شرح المقاصد، محقق: عبدالرحمن بن عسره، قم، ج ۵ ص ۱۷۷/۵

^۲ قاسمی، محمدعلی. (۱۳۹۵ش)، فقه درمان، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، ج ۲ ص ۷۰۹

^۳ سوره مبارکه حجرات آیه ۱۴: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ أَمَّا قُلٌّ لِمَ تُمِئِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

^۴ مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰ش)، تفسیر نمونه، ج ۲۲ و ۱۷، ج ۳۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۲ ص ۲۱۸

^۵ گلپایگانی، محمدرضا (۱۳۷۲ش)، الدر المنضود فی الاحکام الحدود، ج ۲، قم: دارالقرآن الکریم، ج ۲ ص ۱۴

^۶ معین، محمد (۱۳۹۱ش)، فرهنگ فارسی، ج ۲۷، تهران: امیرکبیر، ج ۱ ص ۴۱۴

^۷ مکارم شیرازی، همان، ص ۴۲۱

^۸ عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی. (۱۴۱۰ق)، لمعه دمشقیه فی افقه الامامیه، محقق: علی اصغر مروارید، ج ۱۲، بیروت: الدار الاسلامیه، ج ۱۲ ص ۲۶۳

^۹ گاه عمل ارتكابی بدون این که اثر ظاهری بر اندام فرد باقی گذارد، با ایجاد ترس، هراس، وحشت، اضطراب و هیجان در وی موجب مرگ یا ورود صدمه به وی شود.

^{۱۰} تهدید و آزار مداوم یک فرد از اینترنت و یا دیگر ابزار ارتباطی را ایذاء مجازی گویند.

^{۱۱} محمودی، محمد، (۱۴۰۹ق). حقائق الایمان مع الرساله الاقتصاد والعداله. محقق: مهدی رایجی، قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی نجفی، ص ۵۷۶

پایین‌تر است از انجام فعل بازدارد.^{۱۲} اما آنچه که از آن بحث می‌شود ممنوعیت ایذاء است. ایذاء از منظر احکام پنج‌گانه محدود به حرمت نیست. اگر ایذاء را از جهت وجود قصد در مرتکب و نداشتن قصد آزار توسط او مورد بررسی قرار گیرد تمامی احکام پنج‌گانه تکلیفی در مورد آن اعمال می‌شود. برای نمونه می‌توان به وجوب ایذاء که همانند حرمت ایذاء، دارای مصادیق زیادی است اشاره کرد. از جمله این مصادیق دفاع مشروع است. فرد در دفاع از خود می‌تواند دست به عملی زند که موجب ایذاء دیگری گردد.^{۱۳} بنابراین آنچه به‌عنوان ممنوعیت بیان می‌شود یک بُعد از این موضوع است و دیگر ابعاد آن در تعارض با سایر موضوعات و وضعیت‌های مختلف، متفاوت است که در بردارنده دیگر احکام پنج‌گانه تکلیفی است.

۲-۱. مستندات قاعده

پرداختن به بحث مستندات این قاعده، برای تبیین و مصادیق مورد بحث در این مستندات نیز خود در ایضاح هر چه‌بهرتر این قاعده می‌تواند مؤثر باشد.

۱-۲-۱. مستندات قرآنی

آیات مرتبط با احکام اذیت و آزار رساندن در قرآن موضوعات مختلفی را در برمی‌گیرد. از جمله آنها؛^{۱۴} حکم اذیت انبیاء^{۱۵} حکم اذیت خداوند^{۱۶} (البته در این مورد تفاسیر متفاوتی وجود دارد)^{۱۷} حکم اذیت زناکاران^{۱۸} حکم اذیت صدقه بگیران^{۱۹} حکم اذیت لواط کار^{۲۰} حکم اذیت حضرت محمد (ص)^{۲۱} حکم اذیت حضرت موسی (ع)^{۲۲} حکم اذیت والدین^{۲۳} حکم اذیت مؤمنان^{۲۴}. آیه ایی که در این رابطه مورد تحلیل قرار می‌گیرد موضوع آن حکم اذیت مؤمنان است که از سوره مبارکه احزاب است. سوره احزاب در مدینه و در ایام جنگ احزاب، نازل شده است و حکومت نوپای اسلامی در آن موقع در حال قدرت گرفتن بود، فضای نزول سوره، فضایی آموزشی است.

خداوند در آیه ۵۸ سوره مبارکه احزاب می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا؛ و آنان که مردان و زنان باایمان بی‌تقصیر و گناه را بی‌آزارند (بترسند که) دانسته بار تهمت و گناه آشکار بزرگی را برداشته‌اند»^{۲۵}. شأن نزول‌هایی که در مورد این آیه بیان شده متفاوت است. طبرسی در مجمع‌البیان بیان می‌دارد: «ضحاک گوید: این آیه درباره گروهی از زناکاران نازل شده که شبانه در کوچه‌ها راه‌پیمایی می‌کردند و هرگاه با زنی برخورد می‌کردند به او چشمک می‌زدند و در تعقیب کنیزها و برده‌ها بودند» و همچنین صاحب کتاب «اسباب نزول از قرآن» علاوه بر اینکه شأن نزول در فوق را که بیان نموده‌اند هم چنین شأن نزول دیگری را عنوان نموده‌اند که در رابطه با حضرت امیر المومنین (ع) می‌باشد. «آیه در حق علی (ع) نازل شده که گروهی از منافقان او را می‌آزردند و علیه او سخن می‌گفتند». اهل عامه معتقدند که آیه در شأن عایشه همسر رسول اکرم (ص) است. سبب نزول آیه چنین بوده که زنان مؤمنه را عادت بر این قرار گرفته بود که در اوقات نماز به‌طرف مسجد می‌رفتند و با رسول خدا به جماعت نماز می‌گذارند و نیز در اوقات شب نماز مغرب و عشاء را نیز به جماعت می‌گذارند جوانان که این موضوع را فهمیده بودند

^{۱۲} مظفر، شیخ محمدرضا (۱۴۳۴ق) اصول فقه، ج ۴، قم: مؤسسه نشر الاسلامیه، ج ۱ ص ۱۴۸

^{۱۳} طباطبایی قمی، تقی (۱۴۱۳ق)، عمده المطالب فی تعلیق علی المکاسب، قم: انتشارات محلی، ج ۱ ص ۲۲۷

^{۱۴} سوره ابراهیم، آیه ۱۲ و ۱۳

^{۱۵} سوره احزاب، آیه ۵۷

^{۱۶} سوره نساء، آیه ۱۵ و ۱۶

^{۱۷} سوره بقره، آیه ۲۶۴

^{۱۸} سوره نساء، آیه ۱۵ و ۱۶

^{۱۹} سوره توبه، آیه ۱۶

^{۲۰} سوره احزاب، آیه ۶۹

^{۲۱} سوره اسراء، آیه ۲۳

^{۲۲} سوره احزاب، آیه ۵۸

^{۲۳} مکارم شیرازی، همان، ج ۱۷ ص ۴۲۳

سر راه زنان می‌ایستادند و متعرض آنها شده و موجبات اذیت و آزار آنها را فراهم می‌ساختند. هم چنین در نظری ضعیف‌تر آیه را به امیر المومنین علی (ع) نسبت داده‌اند.^{۲۴}

مفسرین، تفسیری که از آیه مورد نظر ارائه داده‌اند آن است که ایذاء مؤمنان، بعد از ایذاء خداوند و پیامبر (ص) اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، چراکه مؤمن از طریق ایمان پیوندی با خدا و پیامبرش دارد، بدین‌سان در این آیه، در ردیف خدا و پیامبرش قرار گرفته است. آنچه در آیه مورد اهمیت است استفاده از تعبیر «بَغْيٍ مَّا اكْتَسَبُوا» است که اشاره به این دارد آنها (مؤمنین) مرتکب گناهی نشده‌اند که موجب ایذاء و آزار باشد؛ لذا عدم آزار و اذیت مؤمن، مقید به عدم انجام گناه شده است. افرادی که مرتکب جرایم حدی، تعزیری و قصاص می‌شوند مشمول آیه نیستند.^{۲۵} بعضی از فقها مدعی آن هستند که آیه مورد نظر در مقام بیان حرمت ایذاء مؤمن نمی‌باشد.^{۲۶} البته این کلام و نظر که آیه به‌هیچ‌وجه تعرضی به حرمت ایذاء ندارد با تعبیر آیه سازگاری ندارد چراکه در آیه، تعبیر «فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَنَا وَإِثْمًا مُّبِينًا» وارد شده است که اِثْمٌ مَبِينٌ، گناه بودن این مسئله را نشان می‌دهد.

۲-۲-۱. مستندات روایی

پیرامون موضوع ایذاء و آزار مؤمن روایت‌های فراوانی در متون روایی وجود دارد؛ لذا برخی از این روایات که دارای اهمیت بیشتری است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «مَنْ آذَى مُؤْمِنًا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَمَنْ آذَى اللَّهَ فَهُوَ مَلْعُونٌ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَفِي خَيْرِ آخَرَ: فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» و فرمود رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که هر که آزار کند مؤمنی بتحقیق که آزار کرده است مرا و هر که آزار کند مرا بتحقیق که آزار کرده است خدا را و هر که آزار کند خدا را پس او ملعون است در تورات و انجیل و قرآن و در خبر دیگر بتحقیق که لعنت کرده است او را خدا و فرشتگان و آدمیان جمیعاً.^{۲۷} در رابطه سند روایت، باید خاطر نشان کرد که این روایت در کتب فقهی مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است.^{۲۸} که از جمله آن در باب «هَجَاءُ الْمُؤْمِنِينَ» از کتاب «مستند الشیعه فی احکام الشریعه» است.^{۲۹} لذا آنچه مورد استفاده قرار گرفته تشابه آن با آیه ایی است که در رابطه با ایذاء بیان شد و در کتب تفسیری هم در رابطه با آیه مربوطه از این حدیث استفاده شده که از جمله آن کتب «تفسیر مجمع البیان» است.

روایت بیان شده از پیامبر اسلام، در معنا، مفهوم و هم چنین ضمانت اجرا، شبیه آیه ایی است که به‌عنوان مستند بیان شد. ضمانت اجرای ایذاء مؤمن در این روایات، لعن است. لعن را به معنای راندن و دور کردن همراه با ناراحتی دانسته‌اند. لعن از جانب خدا به معنای قطع رحمت و توفیق دنیوی و عذاب اخروی است. لعن از سوی انسان، نوعی نفرین و بدخواهی برای دیگری است.^{۳۰} از این رو، این لعن می‌تواند دو علت داشته باشد. اولاً پیامبر (ص) در حمایت از مؤمنین این‌گونه ضمانت اجرایی بیان داشته‌اند و ثانیاً با استفاده از واژه «أذَى» تمام رفتارهایی که این نتیجه را بدون هیچ قیدی که نشان‌دهنده شدت و ضعف آزار باشد در نظر داشته است.

ب) روایت بعدی از امام صادق (ع) است که در رابطه با ضمانت اجرای عمل کسانی که مؤمنان را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند و نحوه برخورد با آنها در روز رستاخیز است. «عنه عن أحمد عن ابن سنان عن منذر بن یزید عن المفضل بن عمر قال قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا كان يوم القيامة ينادى مناد أين المأذون لأوليائى فيقوم قوم ليس على وجوههم لحم فيقال هؤلاء الذين أذوا المؤمنين و نصبوا لهم و عاندوهم و عنفوهم فى دينهم فيؤمر بهم إلى جهنم»^{۳۱} حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: «در روز رستاخیز گوینده‌ای

^{۲۴} طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰ش)، ترجمه تفسیر مجمع‌البیان، مترجم: علی صحتی، تهران: فراهانی، ج ۱ ص ۱۷۶

^{۲۵} طباطبایی، همان، ج ۱۶ ص ۵۰۹

^{۲۶} آصف محسنی، محمد (۱۳۸۷ش)، حدود الشریعه، ج اول، قم: بوستان کتاب قم، ج ۱ ص ۴۴

^{۲۷} ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۸ش)، کاشف الاستار در ترجمه جامع الاخبار، مترجم: محمدرضا خویدکی، ج ۱، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی، ص ۹۷

^{۲۸} تویسرکانی، محمد بن بنی احمد (۱۴۱۳ق)، لتالی الاخبار، قم: العلامة، ج ۵ ص ۱۸۰

^{۲۹} نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعه فی الاحکام الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام الإحیا التراث، ج ۱ ص ۱۵۹

^{۳۰} طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، مجمع‌البحرین، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مکتبه المرتضوی، ج ۶ ص ۳۰۹

^{۳۱} کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، اصول کافی، تهران: انتشارات کتب الاسلامیه، ص ۳۵۱

فریاد می‌زند: کجایند آزار دهندگان اولیای من، پس گروهی برخیزند که صورتشان گوشت ندارد، پس گفته می‌شود: اینانند که مؤمنان را اذیت و با آنان دشمنی می‌کردند و به‌خاطر دین‌داری آنها را به استهزا می‌گرفتند، سپس فرمانی می‌رسد که آنها را به دوزخ برند.^{۳۲} یکی از راه‌های ایجاد امنیت، ارباب آوری است. در واقع به‌طور کلی هدف از مجازات در حقوق کیفری ارباب مجرم، سزا دادن، اصلاح، ناتوان‌سازی وی، عدالت ترمیمی و رضایت مجنی علیه است. از این‌رو ارباب آوری از طریق نمایش یک واقعه اخروی، با اهداف عرفی و حقوق کیفری منطبق است و در جهت سعادت دنیوی بشر لازم است؛ بنابراین، معصوم (ع) با ارباب آوری، از عاقبت کسانی که دست به ایذاء مؤمن یا هر انسانی می‌زنند خبر می‌دهد که دارای دو آثار است: ۱. تلاش برای پیشگیری از ایذاء ۲. بیان حرمت ایذاء مؤمن.

۳-۲-۱. اجماع و عقل

یکی از ادله حرمت ایذاء مؤمن اجماع است. البته در تبیین این موضوع باید گفت اجماع از سایر مصادیق ایذاء استنباط می‌شود. صاحب جواهر در این مورد بیان می‌دارد: «ومنه هجاء المؤمنین بلا خلاف آنچه فیہ، بل الإجماع بقسمیه علیه، وهو الحجۃ مضافا إلی ما دل علی حرمة ایذاء المؤمن وظلمه، وهتک حرمته، وإدخال النقص علیه ومحبة شیاع الفاحشة فیہ واغتیابه والغمز علیه وعلی أن ماله ودمه وعرضه محرمة».^{۳۳} هر چند صاحب جواهر در رابطه با موضوع هجو این استدلال را بیان می‌نماید اما در نتیجه ادله حرمت ایذاء و هجو مؤمن در صورت تحقق به عموماً ادله ایذاء برمی‌گردد یعنی به همان ادله حرمت ایذاء رجوع می‌شود. اما به نظر با وجود آیات و روایات در رابطه با ایذاء، لزومی به وجود اجماع نیست چراکه اگر اجماعی هم وجود داشته باشد اجماع مدرکی است که این نوع اجماع در بین فقهای امامیه حجت نمی‌باشد.

عقل انسان جدای از شرع هم می‌تواند در مواردی به‌صورت مستقل حکم صادر کند، یعنی حسن و قبح (خوبی و بدی) افعال را مانند عدالت، ظلم، خوبی کردن و... را درک کند. آزار رساندن یا نرساندن یکی از این افعال است که عقل انسان به‌تنهایی می‌تواند آن را درک نماید. طبق نظرات فقها «شیخ انصاری و جواهر الکلام»^{۳۴} ادله هجو را که یکی از مصادیق ایذاء است ادله اربعه دانسته‌اند. بدون شک یکی از ادله اربعه نزد فقهای شیعه، عقل است. هم چنین نویسنده کتاب «مهذب الاحکام» در رابطه با ایذاء والدین این‌گونه بیان می‌دارد «لحرمة ایذاء الوالدین بالأدلة الأربعة، بل یحرم ایذاء کل مؤمن فکیف بهما»^{۳۵} که نشان‌دهنده پذیرش حرمت ایذاء مؤمن از منظر عقلی است. اما از این نکته نباید غافل ماند که شرع برای آزار رساندن دارای استثنائاتی است که هیچگاه قابل درک برای عقل انسان نیست زیرا مانند سایر احکام، دارای دلایلی است که تنها شارع از آن آگاه است و دلیل آن تا این زمان برای انسان مستتر است.

۲- مصادیق و استثنائات

باید خاطر نشان کرد که ایذاء مصادیق بی‌شماری دارد که در اینجا به موارد مذکور در کتب فقهی می‌پردازیم و گرنه موارد محصور در مصادیق مذکور نیست.

^{۳۲} دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۶ش). ترجمه ارشاد القلوب، مترجم: علی سالگی نهبانندی، قم: ناصر، ج ۱ ص ۲۸۲

^{۳۳} نجفی (صاحب جواهر)، شیخ محمدحسن (۱۳۶۲ش)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۷، بیروت: دارالاحیاء و التراث العربی، ج ۲۲ ص ۶۰

^{۳۴} همان، ص ۷۴

^{۳۵} سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام بیان حلال و حرام، ج ۴، قم: دار التفسیر، ج ۱۲ ص ۲۵

۲-۱-۲. مصادیق حرمت ایذاء مؤمن در فقه**۲-۱-۱. باب تحریم ایذاء مؤمن**

در برخی از کتب فقهی، ایذاء مؤمن به صورت مستقل و به عنوان فصلی از کتب فقهی، به آن پرداخته شده است.^{۳۶} در این باب ایذاء را می‌توان از دو حیث مورد بررسی قرارداد: الف) ایذاء به دیگران: شامل ایذاء نسبت به تمامی انسان‌ها می‌شود. ب) ایذاء به نفس: که شامل ایذاء و آزار به خود است.^{۳۷} در این باب، به طور مشخص روایات منع ایذاء مؤمن مورد بررسی قرار گرفته است.^{۳۸}

۲-۱-۲. هجو مؤمن و تشبیب زن مؤمنه

هجو در لغت به معنی برشمردن عیب‌های کسی، نکوهیدن و سرزنش کردن، مذمت و بدگویی از کسی و لعن و نفرین است.^{۳۹} اما تشبیب در لغت به معنای ذکر زیبایی‌های زن و پسرپچه و اظهار عشق به آنها در شعر آمده است.^{۴۰} هجو مؤمن به ادله چهارگانه حرام است. زیرا هجو از مصادیق «همز» و «لمز» و خوردن گوشت مؤمن و تعبیر و افشاء سر بوده که هر یک از این عناوین حرام و در اعداد معاصی کبیره مهلکه هستند.^{۴۱} اما از این جهت که در قالب شعر می‌باشد با تشبیب دارای شباهت است. در روایات ما، نهی با عنوان تشبیب ذکر نشده است ولی بزرگانی از فقها، از جهت ملازماتی که وجود دارد حکم به حرمت تشبیب نموده‌اند.^{۴۲} فقها دلایل مختلفی از جمله هتک مؤمن، ایذاء مؤمن، گسترش فحشا و اغواء الجهال در باب حرمت تشبیب زن مؤمنه ذکر نموده‌اند.^{۴۳}

۲-۱-۳. سب و توهین

فقه‌ها در کتب فقهی خود، توهین را به عنوان جرم مستقل مورد بررسی و تحلیل نداده‌اند. معمولاً از اصطلاحاتی چون «سب» که از جرایم حدی است و با کلماتی مانند «تأذی و تعرض» که از جرایم تعزیری هستند به جرم‌انگاری آن پرداختند. اما در کتب مقدس مسلمانان، یعنی قرآن کریم، از کلماتی چون «وهن، موهن، وهنا، اوهن، لانتهاوا» استفاده شده است که بیشتر معنای لغوی آنها ملاک نظر و اعتبار بوده است (ملکی ایرده، ۱۳۹۸: ۸۲). در مورد «سب مؤمن» فقها علت حرمت آن را ادله اربعه دانسته‌اند و در این مورد بیان داشتند: «قد استقل العقل بخرمه سب المؤمن فی الجملة، لكونه ظملاً و ایذاء و علی ذلك إجماع المسلمین»، بنابراین سب مؤمن به دلیل ایذاء و ظلمی که به فرد مؤمن می‌شود از مستقلات عقلی است (خوئی، ۱۳۷۷: ۴۳۱/۱). سب، از منظر لغت‌شناسان دارای معانی مختلفی است. عده ایی، واژه سب و شتم را به یک معنی دانسته‌اند و عده ایی دیگر سب را دشنام دردناک معنا نموده‌اند (الهامی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۴).

۲-۱-۴. سحر و جادوگری

سحر در لغت دارای معانی متفاوت است. در اصطلاح فقهی، مرحوم علامه حلی در کتاب «قواعد و تحریر» سحر را این گونه تعریف می‌نماید: «سحر عبارت است از کلامی که با آن تکلم کرده یا مکتوبی که آن را می‌نویسند و یا تعویذی که به کار می‌برند و یا عملی که به واسطه کاری انجام داده که در بدن یا قلب و یا عقل محسوس تأثیر گذارده بدون اینکه ساحر خود مباشرتی داشته باشد».^{۴۴} در ارتباط این موضوع با ایذاء مؤمن باید گفت که فقها بیان داشته‌اند که تسخیر مؤمن، منجر به ایذاء مؤمن می‌شود عملی حرام است. اما در ارتباط با تسخیر فرد غیر مؤمن و انجام سحر برای او، فقها آن را جایز دانسته‌اند (قاسمی، ۱۳۹۵: ۳۲۱).

^{۳۶} فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: مکتبه الامام امیر المومنین علی (ع)، ج ۹، ص ۹۵۹

^{۳۷} جمعی از پژوهشگران. (۱۴۱۳ق)، مؤسسه دایرة المعارف الفقه الاسلامی، قم: مؤسسه دائر المعارف فقه الاسلامیه، ج ۱۹، ص ۲۸۶

^{۳۸} نوری، همان، ج ۹، ص ۹۹

^{۳۹} خوئی، همان، ج ۱، ص ۴۵۷

^{۴۰} عاملی، همان، ج ۱۲، ص ۲۸

^{۴۱} ذهنی تهرانی، محمدجواد (۱۳۶۹ش)، تشریح المطالب شرح فارسی بر مکاسب، قم: انتشارات حاذق، ج ۲، ص ۱۰۸۴

^{۳۲} ذهنی، همان، ج ۲، ص ۳۷۶۳.۳۳

^{۳۳} عاملی، همان، ج ۱۲، ص ۱۸۲

^{۳۴} ذهنی، همان، ج ۲۶، ص ۵۶۰

۵-۱-۲. حرمت ایذاء جار

در روایات مختلفی، آزدن همسایه و تضييع حقوق وی تحریم شده است.^{۴۵} کتاب «الادب الاسلاميه» در بیان رعایت حقوق همسایگی و احترام به هم‌جواری این‌گونه اذعان داشته است: «أكدت الشريعة الإسلامية على حسن الجوار و جعلته جزءاً لا ينفك من الدين و الإيمان» در واقع در بیان این‌که احترام به حقوق هم‌جواری از نشانه‌های مهم ایمان است نشان‌دهنده اهمیت آن و لازمه رعایت کردن آن است.^{۴۶}

۶-۱-۲. حکم به برائت متهم، از طریق حرمت ایذاء مؤمن

بر اساس اصل برائت نمی‌توان کسی را به علت رفتاری که بابت آن متهم است مجازات نمود. بر همین اساس مؤلف کتاب «ماوراء فقه» می‌نویسد: «و نقصد بالظن جواز جر الفرد الى الحكمة لمجرد الظن أو الاحتمال باتهامه من دون وجود علم أو حجة شرعية عليه عند المدعى أو قاضى. و مقتضى القاعدة الأولية هي منع بطبيعة الحال لعدة أدلة منها: أولاً حرمت إيذاء المؤمن و احتقاره، و فى اتهامه إيذاء و احتقر بلا إشكال...».^{۴۷} لذا زمانی که هم مدعی و قاضی نسبت به فردی ظن دارند که مرتکب جرمی شده است ولی علم و حجت شرعی برای اثبات ادعا و ظن خود ندارند قاعده اولیه آن است که بر اساس دلایلی شامل حرمت ایذاء مؤمن و عدم تحقیر افراد او را محاکمه نکنیم. در ادامه نویسنده کتاب به بیان حکم ثانویه می‌پردازد و استثنائات موارد لزوم محاکمه را بیان می‌نماید.^{۴۸} موارد دیگری جزء مصادیق ایذاء مؤمن هستند که از جمله می‌توان به قذف، حرمت ارتکاب قتل و تعذیب، اجرای مجازات بیش از اندازه در حکم و اجرای صحیح مجازات اشاره کرد. قذف و مواردی مانند هجو، تشییب، توهین و سب که از مصادیق حرمت ایذاء مؤمن بیان شده‌اند از جمله جرایم حیثیتی هستند که بیشتر آسیب روحی و روانی را در پی دارند. برخی دیگر از این مصادیق نشان‌دهنده گستره حرمت ایذاء مؤمن است که نشان از اهمیت این موضوع دارد. البته این قاعده دارای استثنائاتی است که در بند بعدی به توضیح آن خواهیم پرداخت.

۲-۲. استثنائات حرمت ایذاء مؤمن

۱-۲-۲. علل موجهه جرم

علت انتخاب علل موجهه جرم به‌عنوان استثناء ایذاء این است که علل موجهه جرم، موجب تبدیل عمل مرتکب از یک عمل بد و ناپسند به یک عمل خوب و پسندیده می‌شوند. اما این قابلیت را عوامل معذور کننده (عوامل رافع مسئولیت) ندارند و فرد تنها به علت نقص و ناتوانی که در او وجود دارد قابل سرزنش نیست اما آن عمل جرم محسوب می‌شود. این عوامل شامل ۱- اضطرار، ۲- دفاع مشروع، ۳- اجرای قانون اهم، ۴- حکم قانون اجازه قانون، ۵- اشتباه.^{۴۹}

۲-۲-۲. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر همان اذن قانون‌گذار است. ادله امر به معروف و نهی از منکر در تعارض با ادله ایذاء مؤمن قرار دارد. گاهی آمر به معروف یا شخص امر کننده به معروف و نهی کننده منکر در جلوگیری از عمل حرام رفتارهایی را مرتکب می‌شوند که موجب ایذاء معنوی یا در مواردی جسمی می‌شود. فقها برای تعارض این مسئله دیدگاه‌هایی را بیان می‌نمایند. مرحوم محقق خوانساری، در بیان علت مراتب امر به معروف و نهی از منکر را دلیل حرام ندانستن ایذاء در این مورد دانسته‌اند چراکه اکثر موارد امر به معروف و نهی از منکر ایذاء دارد و عدم ترتیب نشان می‌دهد که ایذاء در مقام امر به معروف اشکالی ندارد و حرمت آن برداشته می‌شود.^{۵۰} دیدگاه صاحب جواهر در این مورد آن است که «اطلاق ادله امر به معروف و نهی از منکر با ادله حرمت ایذاء تعارض می‌کند؛ قدر مسلمی که از ادله حرمت ایذاء خارج شده است، در صورتی است که ترتیب رعایت شود و از خفیف شروع گردد. زیرا اگر چاره جز ارتکاب ایذاء نبود،

^{۴۵} حرعاملی، هملن، ص ۳۴

^{۴۶} جامعه المصطفی. (۱۴۳۷ق)، الادب الاسلامیه، ج ۵، قم: مرکز المصطفی، ج ۱ ص ۴۹

^{۴۷} صدر، محمد (۱۴۳۰ق). ماوراء الفقه، بیروت: دارالاضواء، ج ۲ ص ۱۹۸

^{۴۸} صدر، همان، ص ۱۹۹

^{۴۹} محسنی، همان، ج ۱ ص ۲۴۱

^{۵۰} خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک، مصحح: علی‌اکبر غفاری، پ ۲، تهران: مکتبه الصدوق، ج ۵ ص ۴۱۰

باید به خفیف اکتفاء شود و اگر اثر نداد به سراغ مرحله شدیدتر رفت. در این صورت ترتیب اثبات می‌شود»^{۵۱}؛ بنابراین با رعایت ترتیب در امر به معروف و نهی از منکر، گاهی می‌توان از ایذاء مؤمن عدول کرد و برخلاف قاعده حرمت ایذاء مؤمن، عمل نمود.

۳-۲-۲. استثناء «بغیر ما اکتسبوا»

همان‌طور در مباحث قبل در مورد آیه ۵۸ سوره مبارکه احزاب بحث شد که یکی از آیات مورد استناد برای عدم ایذاء مؤمنین بوده است. در این آیه استثنای «بغیر ما اکتسبوا» بیان شده است. تعبیر «بغیر ما اکتسبوا» اشاره به این است که آنها مرتکب گناهی نشده‌اند که موجب ایذاء و آزار باشد، و از اینجا روشن می‌شود که هرگاه گناهی از آنان سرزند که مستوجب حد و قصاص و تعزیر باشد اجرای این امور در حق آنها اشکالی ندارد.^{۵۲} البته در این مورد باید قائل به تفصیل شد و بین اشخاصی که توبه می‌کنند و ندامت آنها محرز می‌شود و اشخاصی که تنها اجرای مجازات را تحمل می‌کنند تفاوت قائل شد.

۴-۲-۲. مباحثه

مبحث مباحثه در فقه ذیل عنوان‌های غیبت و سب مؤمن مورد بحث قرار گرفته است. مستند مباحثه روایتی است که از پیامبر اسلام نقل شده است. «محمد، عن محمد بن الحسین، عن البزنطی، عن داود بن سرحان، عن ابي عبدالله عليه السلام، قال: «قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: إذا رأيتم أهل الریب و البدع من بعدی، فأظهروا البراءة منهم و أكثروا من سبهم و القول فيهم و الوقیعة و باهتوهم کی لا یطمعوا فی الفساد فی الإسلام و یحذرهم الناس و لا یتعلمون من بدعهم، یکتب الله لکم بذلک الحسنات و یرفع لکم به الدرجات فی الآخرة».^{۵۳} به این معنی که: «پس از من، هرگاه شکاکان و بدعتگذاران را دیدید، از آنان بیزاری نشان دهید و بسیار به آنان ناسزا گوید و در باره‌شان بدگویی و افشاگری کنید و آنان را مبهوت و محکوم سازید تا به تباه کردن اسلام، طمع نکنند و مردم از آنها بر حذر باشند و از بدعت‌هایشان چیزی نیاموزند. برای این کار، خداوند برایتان ثواب‌ها می‌نویسد و در آخرت بر درجات شما می‌افزاید.^{۵۴} آنچه از ظاهر این روایت مشخص است جواز عمل بدگویی و افشاگرایی است که نتیجه‌ی آن از بین رفتن حیثیت اشخاص است. برخی از فقها از جمله شیخ انصاری، خوبی و گلپایگانی دلالت این حدیث را بر جواز بهتان زدن به اهل بدعت را با شرایط خاص یا به صورت احتمال پذیرفته‌اند.^{۵۵} آیت‌الله خوبی هجو اهل بدعت در عیوب غیر موجوده را با استناد به قرآن و سنت حرام دانسته ولی در مواردی که مصلحت لازمی، اقتضاء کند، آن را جایز دانسته است؛ وی مصلحت لازمه را آشکار شدن شخصیت و روش و شیوه آنها بر ضعفای مؤمنین معنی کرده است. ایشان این مسأله را تا جایی جایز دانسته است بر هجو آنها مفسده و فتنه‌ای مترتب نباشد؛ در اینصورت هجو آنها حتی در عیوب موجوده را نیز جایز شمرده است.^{۵۶}

۵-۲-۲. قاعده دفع افسد به فاسد

این قاعده از مصادیق قاعده اهم و مهم است و در مواردی مانند تزامم دو واجب یا تزامم واجب و حرام را در برمی‌گیرد. معنای قاعده آن است که در هنگام تعارض دو مفسده یا ضرر آنکه از نظر میزان تأثیر فساد کمتری دارد را باید مرتکب شد تا از ضرر و مفسده بزرگ‌تر رهایی یافت. مستندات قاعده مزبور شامل آیاتی از قرآن است^{۵۷} که مخدوش بودن تمامی این آیات در رابطه با این قاعده اثبات شده است.^{۵۸} همچنین برای این قاعده دفع افسد به فاسد به روایاتی استناد شده است که اگر این قاعده را فرعی بر قاعده لاضرر یا اضطرار و یا با قواعد دیگر بدانیم می‌توان به آنها استناد کرد. باین‌وجود اگر نتوان دلیل شرعی از متون اسلامی برای آن یافت، ولی تردیدی بر حکم عقل، به جواز آن نیست.^{۵۹}

^{۵۱} نجفی، همان، ج ۲۲ ص ۲۷۸

^{۵۲} مکارم، همان، ص ۴۲۳

^{۵۳} کلینی، همان، ص ۱۲۲

^{۵۴} محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۱ش)، دانشنامه قرآن و حدیث، مترجم: محمدرضا آذربرقم: مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، ج ۱۶ ص ۹۹

^{۵۵} گلپایگانی، محمدرضا (۱۳۷۲ش)، الدر المنضود فی الاحکام الحدود، قم: دارالقرآن الکریم، ج ۲ ص ۱۴۹

^{۵۶} خوبی، همان، ج ۱ ص ۷۰۱

^{۵۷} آیه ۲۵ سوره مبارکه فتح، آیه ۷۸ سوره مبارکه هود و آیه ۷۱ سوره مبارکه کهف.

^{۵۸} حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۷)، قاعده دفع افسد به فاسد و دلالت‌های حقوقی - جرم‌شناختی آن. فصلنامه فقه و حقوق، ج ۱۸، ص ۸

^{۵۹} علی‌آبادی، عبدالصمد (۱۳۹۴)، واکاوی قاعده دفع افسد به فاسد از دیدگاه مذاهب فقهی، فصلنامه مذاهب اسلامی، ج ۳، ص ۱۷

۶-۲-۲. جواز ایذاء همسر ناشزه

در واقع نشوز در زن به معنای تمرد از دستورهای واجب شوهر است، از قبیل تمکین نکردن، نزدن آنچه مایه تنفر و مانع کامجویی شوهر است، ترک نظافت و آرایش دلخواه شوهر و خارج شدن از منزل بدون اجازه همسر. البته نشوز ممکن است از ناحیه زن، مرد و یا هر دو رخ دهد.^{۶۰} با این مقدمه یکی از موضوعات مورد بحث در رابطه جواز ایذاء همسر ناشزه در آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء است که بیان می‌دارد: «... وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا». یکی از بحث‌های مرتبط با این آیه اجازه تنبیه بدنی است. با وجود دیدگاه‌های متفاوت در این زمینه مثلاً اینکه صاحب تفسیر نمونه مسئله تنبیه بدنی را در مورد افراد وظیفه‌شناسی مجاز شمرده که هیچ وسیله دیگری درباره آنان مفید واقع نشود.^{۶۱} در واقع شرایط تنبیه زن دارای شرایطی است. البته در تفسیر این آیه مراتب تنبیه بیان می‌شود اما با وجود انواع ایذاء اعم از روحی و جسمی تمام مراحل می‌تواند از جمله جواز ایذاء باشد. با فرض قبول دیدگاه تنبیه بدنی زن ناشزه، این دیدگاه می‌تواند یکی از استثنائات باشد.

۳. کاربرد قاعده در حقوق کیفری

حقوق کیفری به بررسی حمایت دولت از افراد و ارزش‌های جامعه می‌پردازد. یکی از تقسیم‌بندی‌های از حقوق کیفری می‌شود تقسیم آن به حقوق کیفری اختصاصی و عمومی است. نگارنده در این مبحث ابتدا ایذاء در حقوق کیفری اختصاصی می‌پردازد و در گفتار دوم چند قوانین خاصی را که می‌توانند در حمایت از ایذاء مؤمن (حمایت از مؤمن در برابر ایذاء) مؤثر باشند مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. سرانجام از ایذاء مؤمن در آیین دادرسی و قوانین مرتبط با آن بحث می‌شود.

۱-۳. کاربرد قاعده در حقوق ماهوی کیفری

قوانین به دودسته شکلی و ماهوی تقسیم می‌شوند. مهم‌ترین هدف قوانین ایجاد فضای امنیت و آرامش برای شهروندان است. حرمت ایذاء مؤمن، در پی توسعه عناوین مجرمانه نیست بلکه در پی کاستی‌های موجود در قانون ماهوی کیفری است و آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱-۱-۳. عناوین مجرمانه قانونی در رابطه با ایذاء

همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد، ایذاء موجب آسیب‌های روحی، جسمی و مالی می‌شود؛ بنابراین به طور معمول تمامی قانون‌گذاران در تمامی جوامع، برای جلوگیری از تضییع حقوق افراد جامعه، عناوینی را جرم‌انگاری می‌نمایند. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بر مبنای شرع و مقتضیات جامعه جرایمی تحت عنوان مستوجب قصاص، حدود و تعزیر جرم‌انگاری شده است.^{۶۲} از جمله این جرایم که مربوط جسم است می‌توان به قتل، قطع عضو، جرح و ضرب اشاره نمود.^{۶۳} حتی قانون گذر در این موضوع تا جایی پیش رفته است که در ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «در مواردی که رفتار مرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن گردد و نه اثری از خود در بدن برجای بگذارد ضمان منتفی است لکن در موارد عمدی در صورت عدم تصالح، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود» که از جمله رفتارهایی که می‌توان به آن اشاره کرد، هل دادن عمدی است؛ بنابراین این ماده شامل جرایم غیر عمدی نمی‌شود.

جرایم علیه اشخاص، از جهت دیگر جرایم علیه شخصیت معنوی است و حیثیت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد گاهی به صورت حدی و در موارد گسترده‌تر به صورت تعزیری توسط قانون‌گذار جرم‌انگاری شده‌اند. از جمله آنها جرم توهین است که طبق نظر دکترین حقوقی، توهین به ساده و مشدد تقسیم می‌شود.^{۶۴} دیگر جرایم مرتبط با این موضوع شامل افتراء، نشر اکاذیب، بازداشت غیرقانونی و... می‌شود و هم چنین، قذف که یکی از جرایم حدی است.

^{۶۰} خمینی، روح‌الله (بی تا). تحریر الوسیله، ج ۱، قم: انتشارات مؤسسه مطبوعات دارالعلمیه، ج ۱ ص ۳۰۵

^{۶۱} شیرازی، همان، ج ۱ ص ۳۷۳

^{۶۲} اردبیلی، همان، ج ۱ ص ۱۸۱

^{۶۳} واعظی نژاد، همان، ص ۲۲۳

^{۶۴} آقای نی، حسین (۱۳۹۶ ش)، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، ج ۱۵، تهران: میزان، ص ۱۱۹ الی ۸۰

دیگر جرایم شناخته شده در قانون مجازات اسلامی در حمایت از ضررهای مالی اشخاص است. هم چنین قوانین خاصی خارج این قانون وجود دارد که بعضاً علیه جسم و روح و در مواردی در مورد ضررهای مالی است که قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸ و قانون تشدید مجازات ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ از جمله آنها هستند.

۲-۱-۳. عناوین مستلزم جرم‌انگاری در رابطه با ایداء

اصل حاکمیت قانون اقتضاء می‌کند که همه تصمیمات مقامات حکومتی به‌ویژه مقامات قضایی موافق با قانون باشد. در اصل یک‌صد و شصت و هفتم قانون اساسی به قضاوت اجازه داده شده است که هرگاه حکم دعوا را در قوانین مدون نیافتند با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتوای معتبر حکم قضیه را صادر نمایند. بنابراین، علاوه بر مطالعه متون فقهی که می‌توان مصادیقی از ایداء مؤمن را در آن یافت که در قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری نشده است به شرایط ارتکاب برخی جرایم می‌پردازیم که ممکن است در بهبود روند رسیدن بزه‌دیده به حقوق او مؤثر و آسان‌تر باشد.

۱-۲-۱-۳. تشبیب زن مؤمنه

در رابطه با این موضوع در مبحث مصادیق فقهی ایداء توضیحاتی ارائه شد که همانند جرم هجو است. اما در این مورد بزه دیده خاص وجود دارد و آن هم زنان و اطفال هستند. این جرم که به صورت شعر و نثر ارتکاب می‌یابد حکم تشبیب زن مؤمنه شناخته شده و موجب اذیت وی و یا وارد آمدن ننگ و عار بر او و تحریک مردان به سوی وی است که از نظر فقهی ممنوع است.^{۶۵} در مورد این جرم در قانون مجازات اسلامی نمی‌توان حکمی را یافت و در دو لایحه اخیر که یکی از آنها به تصویب رسیده و در مورد اطفال و نوجوانان است و دیگری که لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت است و هنوز به تصویب نرسیده است جرم انگاری نشده است که باید مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد.

۲-۱-۲-۳. دشنام دادن به دیگری

در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ در ماده ۱۴۵ قانون‌گذار جرم دشنام که موجب آزار است را این‌گونه مقرر کرده بود: «هر دشنامی که باعث اذیت شوند و دلالت بر قذف نکند، مانند این که کسی به زنش بگوید تو باکره نبودی، موجب محکومیت گوینده به شلاق تا ۷۴ ضربه می‌شود». حقوق‌دانان معتقدند که دشنام مذکور در ماده ۱۴۵ لزوماً نسبت دادن عمل حرام نبود چراکه در همان قانون در تبصره ۲ ماده ۱۴۰، قانون‌گذار نسبت به عملی به غیر از زنا و لواط مانند مساحقه و سایر کارهای حرام به جرم‌انگاری پرداخته بود و برای آنها مجازات تعیین کرده بود. در ادامه برای اثبات سخن بیان می‌دارد «باکره نبودن زن ممکن است ناشی از ازدواج دائم یا موقت قبلی وی باشد». نویسنده در نقد این ماده قانونی بیان می‌دارد: «بهتر بود که قانون‌گذار به تبعیت از فقها به جای واژه دشنام از عباراتی مثل سخن تحقیرآمیز و نظایر آن استفاده می‌کرد هرچند این ماده در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حذف گردیده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۶: ۵۸۲). نظر نگارنده همسو با نظر نویسنده محترم است. البته در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۵۲ آن مقرر شده است که اگر قذف نسبت به خویشان فرد باشد و مخاطب به علت این قذف اذیت شده باشد، مرتکب به دو مجازات محکوم می‌شود؛ بنابراین بهتر بود همانند ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی سابق، به طور جداگانه این موضوع جرم‌انگاری و به آن پرداخته می‌شد.

۳-۱-۲-۳. ایداء رایانه ایی

قانون جرایم رایانه ایی مصوب ۱۳۸۸ به دلیل پیشرفت‌های روزافزون دنیای ناشناخته سایبری دارای کاستی‌هایی است. در کشورهایی مانند آمریکا آزار و اذیت مجازی جرم‌انگاری شده است.^{۶۶} (فریبرز، ۱۳۹۰: ۱۷۳ و ۱۷۸). برای اهمیت این موضوع می‌توان این مثال را ارائه داد که بارگذاری محتوای نامناسب مانند سوزاندن یک کودک در فضای مجازی، ممکن است فرد به علت کودک‌آزاری تحت تعقیب قرار گیرد اما با جریحه‌دار شدن احساسات عمومی، چگونه باید با برخورد شود؟ چراکه موجب رنجش مخاطب در فضای مجازی می‌شود. همچنین ممکن است موجب ترویج این عمل شود.

۴-۱-۲-۳. همسایه آزاری

^{۶۵} سبزواری، همان‌ص ۸۰

^{۶۶} فریبرز، الهام (۱۳۹۰)، سیر تحول قوانین مرتبط با جرایم رایانه‌ای ایران و جهان، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ، ۲۷، ص ۱۷۳ تا ۱۷۸.

ممکن است گفته شود این دست رفتارها به علت نزدیک بودن با ناهنجاری‌های اخلاقی نباید جرم‌انگاری شود و حقوق کیفری در آن مداخله نماید. در پاسخ باید گفت امروزه مشخص است که این رفتار به نسبت ناهنجاری‌های اخلاقی چگونه منجر به خشونت‌ها و جرم‌های غیرقابل‌باور مانند قتل شده است چراکه فردی دست به این ناهنجاری‌ها می‌زند و وقتی از عدم پیگیری‌های مراجع قضایی به علت نبود عنوان مجرمانه با خبر است خیال او آسوده‌خاطر خواهد شد و به رفتارهای ناپسند خود ادامه می‌دهد. البته جرایمی وجود دارند که گاهی حقوق این افراد را مورد حمایت قرار دهد اما کافی نیستند.

۵-۲-۱-۳. مزاحمت

در قانون مجازات اسلامی سه نوع مزاحمت جرم‌انگاری شده است که عبارت‌اند از: ۱. مزاحمت تلفنی ۲. مزاحمت اطفال و زنان ۳. مزاحمت ملکی (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۶: ۵۴۱). یکی از عواملی که در رویه قضایی برای اثبات مزاحمت تلفنی و هم چنین مزاحمت ملکی لازم است ارائه سند مالکیت و اثبات مالکیت است. این موضوع از نظریه مشورتی شماره ۲/۲۷۴-۱۳۸۱/۲/۱۴ که بیان می‌دارد: «رسیدگی و اتخاذ تصمیم به شکایت تصرف عدوانی بر اساس ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی موکول به احراز مالکیت شاکی است ولی نیازی به احراز سبق تصرف شاکی و با رعایت مهلت‌های ...» قابل استنباط است؛ لذا ممکن است گاهی ملک یا سیم کارت همراه در ید شخصی غیر از مالک باشد و او بزه‌دیده جرم شناخته شود. چگونه می‌تواند به احقاق حقوق خویش در دستگاه عدالت امیدوار باشد؟ البته در رابطه با جرم مزاحمت که به سه شکل در قانون جرم‌انگاری شده نیاز به تغییراتی است و باید موضوعات دیگری مانند همسایه آزاری، هم موردتوجه قرار گیرد.

علاوه بر مصادیق بیان شده، این قاعده می‌تواند به‌عنوان مرزی مشخص‌کننده برای تفسیر قوانین جزایی باشد. برای مثال، قانون‌گذار در بند «ت» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، اقدامات والدین را در صورت رعایت حدود متعارف و حدود شرعی، جزء موانع مسئولیت کیفری می‌داند. در مواقعی که حدود متعارف یا حدود شرعی تفسیر بردار می‌شود این قاعده، مرز مشخصی را می‌تواند ارائه دهد.

۳-۲. کاربرد قاعده در حقوق شکلی کیفری

ایذاء مؤمن می‌تواند تضمین‌کننده حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی باشد. این موضوع در موادی از قانون آیین دادرسی کیفری قابل مشاهده است. برای اینکه شخصی را مورد تعقیب کیفری قرار دهیم باید ادله انتسابی کافی برای متهم کردن او وجود داشته باشد. در مبحث مصادیق فقهی ایذاء بیان شد که یکی از موارد حرمت ایذاء مؤمن محکوم کردن متهم بدون دلیل کافی است لذا قاعده حرمت ایذاء ما را وادار برای کشف دلیل محکم و قابل استناد می‌کند. هم چنین در استثنائات ایذاء مؤمن (بغیر ما اکتسوبا) بیان شد که نباید به کسی که اتهام علیه او اثبات نشده است توهین نمود، در این راستا قانون آیین دادرسی کیفری در رابطه با وظایف ضابطان دادگستری و مقامات قضایی بیان می‌دارد در بازجویی از متهم نباید از کلمات موهن استفاده شود تا موجب توهین شود. مواد دیگری هم در حمایت از متهم در قانون وجود دارد که عبارت‌اند: حق سکوت، حمایت‌های پزشکی (برای جلوگیری از ایذاء جسمی)، عدم اقرار و پوشاندن در جرم منافی عفت (بزه پوشی)، و عدم ورود به منازل بدون مجوز قانونی و دیگر حمایت‌هایی که برای متهم قائل شده‌اند که از نتایج عدم ایذاء افراد جامعه است. البته در برخی از موضوعات مهم مانند قرار بازداشت موقت متهم در جرایم مهم، حرمت ایذاء مؤمن مورد خدشه وارد شده که می‌توان ریشه آن را در استثنائات این موضوع یافت (بنا بر امر قانون).

دیگر عواملی که در رابطه با کاربرد ایذاء مؤمن، باید به آن توجه شود دوری از اطلاع دادرسی است. اطلاع دادرسی، در فرایند قانونی به عوامل مختلفی بستگی دارد. یکی از این عوامل نیروی انسانی است که در دستگاه قضایی فعالیت دارند. برای جلوگیری از این معضل می‌توان علاوه بر تخلفات اداری، عنوان مجرمانه ایی تحت سبب اطلاع دادرسی با پشتیبانی این قاعده بنا نهاد تا فرد متخلف به مجازات مقرر قانونی محکوم شود چرا که نتیجه این نوع اطلاع جزء آزار ارباب رجوع ندارد. البته این قاعده، در عوامل دیگری چون اشتباهات و بعضاً تخلفات برخی از ضابطین دادگستری در امور محول شده به آنها، مؤثر است.

این قاعده، علاوه بر رعایت حقوق متهم، از مجرم و بزه‌دیده در تمام مراحل رسیدگی حمایت می‌نماید. اجرای مجازات می‌تواند یکی از استثنائات ایذاء مؤمن باشد اما در نحوه و چگونگی اجرای مجازات، این قاعده کمترین خشونت و درست اجرا شدن را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ بنابراین، این قاعده در ساماندهی هر چه بیشتر قواعد حقوق بشری در آیین دادرسی کیفری و حفظ حقوق شهروندی و حتی حمایت از عرف خاصی مانند وکلا و کارشناسان رسمی دادگستری بر مبنای حقوق اسلامی را در برمی‌گیرد و به عدالت‌محور شدن هر چه بیشتر قوه قضاییه می‌افزاید.

نتیجه گیری

۱. این قاعده، هم از نظر عقلی و هم از نظر نقلی مورد حمایت کامل است و از جمله قواعد مهمی است که در متون مربوط به قواعد فقهی به صورت یک قاعده مستقل کمتر مورد بحث قرار گرفته است.
۲. برای این قاعده به قرآن، روایات و عقل استناد شده است، گرچه به نظر می‌رسد دلیلی عقلی پشتوانه قوی‌تری برای این قاعده باشد.
۳. ایجاد و تهیه یک فصل جدید در باب تحریم ایذاء مؤمن به عنوان یک جرم تعزیری، در قانون مجازات اسلامی و بیان مصادیق مختلف و تعیین شرایط هر یک در آن فصل، عناوینی همچون عدم همسایه آزاری و عدم هتک حیثیت و سایر موارد که موجب جهت‌دهی جرایم تعزیری در قانون مجازات اسلامی شود. این امر موجب حذف عناوین مجرمانه ایی می‌شوند دارای ضمانت اجرای مطلوبی نیستند و به ساماندهی هر چه بهتر جرایم می‌شود.
۴. آیین دادرسی کیفری، دفاع از حقوق متهم، بزه‌دیده و سایر افراد دخیل در فرایند دادرسی را بر عهده دارد. ممنوعیت ایذاء مؤمن از ابتدای مرحله تحقیق تا صدور حکم به عنوان حقوق خاص، حامی و تضمین‌کننده حقوق متهم، بزه‌دیده و محکوم است. از متهم حمایت می‌نماید تا در مرحله تحقیق با استفاده از آسیب‌های جسمی و روانی نتوانند موجب ایذاء فرد شوند و او را وادار به اقرار بر خلاف قانون نمایند. از محکوم حمایت می‌نماید چراکه اجرای مجازات مستلزم رعایت کرامت انسانی است. از بزه‌دیده حمایت می‌نماید چراکه ممکن است جرایمی علیه او اتفاق افتد که مصداقی برای آن در قانون وجود نداشته باشد. او از باب ایذاء می‌تواند حق خود را دریافت نماید. بدین گونه که دادگاه در موارد سکوت قانون می‌تواند باتوجه به اصل یک‌صد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی، حکم قضیه را باتوجه به قاعده ممنوعیت ایذاء مؤمن صادر نماید.

منابع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] آقای نیا، حسین (۱۳۹۶ش)، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، ج ۱۵، تهران: میزان.
- [۳] آلوسی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۱، ص ۱، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
- [۴] آصف محسنی، محمد (۱۳۸۷ش)، حدود الشریعه، ج ۱، ص ۱، قم: بوستان کتاب قم.
- [۵] الهامی، رضا و دیگران (۱۳۹۷ش)، تحلیل مفهوم شناختی شب مؤمن و بازپژوهی ادله در کیفیت بر حکم آن، فصلنامه فقه و اصول، ۱، ص ۱۵۴.
- [۶] ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۸ش)، کاشف الاستار در ترجمه جامع الاخبار، مترجم: محمدرضا خویدکی، ج ۱، تهران: کتابفروشی اسلامییه.
- [۷] اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴ش)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۴۹، تهران: میزان.
- [۸] انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵ق)، مکاسب، ج ۲، ص ۱، قم: انتشارات تراث الشیخ الاعظم.
- [۹] تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۴۱۲ق)، شرح المقاصد، محقق: عبدالرحمن بن عسره، ج ۵، قم: الشرف الرضی.
- [۱۰] تویسرکانی، محمد بن بنی احمد (۱۴۱۳ق)، لئالی الأخبار، ج ۵، قم: العلامة.
- [۱۱] جمعی از پژوهشگران (۱۴۱۳ق)، مؤسسه دایره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱۹، قم: مؤسسه دایره المعارف فقه الاسلامیه.
- [۱۲] جامعه المصطفی (۱۴۳۷ق)، الادب الاسلامیه، ج ۱، ص ۵، قم: مرکز المصطفی.
- [۱۳] حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، وسائل الشیعه، محقق: محمدرضا حسینی جلالی، ج ۱۲، ص ۳، قم: انتشارات مؤسسه آل البيت الاحیاء التراث.
- [۱۴] حاجی ده آبادی، محمدعلی (۱۳۸۷)، قاعده دفع افسد به فاسد و دلالت‌های حقوقی - جرم‌شناختی آن. فصلنامه فقه و حقوق، ۱۸، ص ۸ تا ۱۴.
- [۱۵] خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۷ش)، مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۴، قم: انتشارات مکتبه الداوری.
- [۱۶] خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک، مصحح: علی اکبر غفاری، ج ۵، پ ۲، تهران: مکتبه الصدوق.
- [۱۷] خمینی، روح الله (بی تا)، تحریر الوسیله، ج ۱، قم: انتشارات مؤسسه مطبوعات دار العلمیه.
- [۱۸] دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۶ش)، ترجمه ارشاد القلوب، مترجم: علی سالگی نهاوندی، ج ۱، قم: ناصر.
- [۱۹] ذهنی تهرانی، محمدجواد (۱۳۶۹ش)، تشریح المطالب شرح فارسی بر مکاسب، ج ۲، قم: انتشارات حاذق.
- [۲۰] دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، لغت‌نامه، ج ۱۴، ص ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- [۲۱] سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام بیان حلال و حرام، ج ۱۲، ص ۴، قم: دار التفسیر.
- [۲۲] صدر، محمد (۱۴۳۰ق)، ماوراء الفقه، ج ۲، بیروت: دارالاضواء.
- [۲۳] طباطبایی قمی، تقی (۱۴۱۳ق)، عمده المطالب فی تعلیق علی مکاسب، ج ۱، قم: انتشارات محلی.
- [۲۴] طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳ش)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: ناصر مکارم شیرازی، ج ۱۶، ص ۳، قم: انتشارات اسلامی.
- [۲۵] طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۶ق)، الاقتصاد فی ما يتعلق بالاعتقاد، ج ۱، بیروت: دارالاضواء.
- [۲۶] طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، محقق: احمد حسینی اشکوری، ج ۶، تهران: مکتبه المرتضوی.
- [۲۷] طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰ش)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم: علی صحتی، ج ۲۰، تهران: فراهانی.
- [۲۸] طبرسی، علی بن حسن فضل (۱۳۷۹ش)، مشکاة الأنوار، مترجم: مهدی هوشمند، قم: دارالتقلین.
- [۲۹] عاملی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، محقق: کرکی عاملی، ج ۴، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- [۳۰] عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام الی تنقیح الشرائع الاسلام، ج ۱۲، ص ۴، قم: انتشارات مؤسسه المعارف الاسلامیه.

- [۳۱] محمودی، محمد، (۱۴۰۹ق). حقائق الایمان مع الرساله الاقتصاد و العداله. محقق: مهدی رجایی. قم: مکتبه آیت الله المرعشی نجفی.
- [۳۲] عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی. (۱۴۱۰ق)، لمعه دمشقیه فی افقه الامامیه، محقق: علی اصغر مروارید، ج ۱۲، بیروت: الدار الاسلامیه.
- [۳۳] عبدالرحمان، محمود (۱۴۱ق)، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقیهه، ج ۱، قاهره: دارالفضیله.
- [۳۴] علی آبادی، عبدالصمد (۱۳۹۴)، واکاوی قاعده دفع افسد به فاسد از دیدگاه مذاهب فقهی، فصلنامه مذاهب اسلامی
- [۳۵] فریبرز، الهام (۱۳۹۰)، سیر تحول قوانین مرتبط با جرایم رایانه‌ای ایران و جهان، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ، ۲۷، ص ۱۷۳ تا ۱۷۸.
- [۳۶] فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، الوافی، ج ۵، اصفهان: مکتبه الامام امیر المومنین علی (ع).
- [۳۷] قاسمی، محمد علی. (۱۳۹۵ش)، فقه درمان، ج ۲، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- [۳۸] قاضی، عبدالجبار بن احمد (۱۴۲۲ق)، شرح الاصول الخمسه، بیروت: دار احیاء.
- [۳۹] کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، اصول کافی، تهران: انتشارات کتب الاسلامیه.
- [۴۰] گلپایگانی، محمدرضا (۱۳۷۲ش)، الدر المنضود فی الاحکام الحدود، ج ۲، قم: دارالقرآن الکریم.
- [۴۱] مظفر، شیخ محمدرضا (۱۴۳۴ق)، اصول فقه، ج ۱، ج ۴، قم: مؤسسه نشر الاسلامیه.
- [۴۲] میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹ش)، جرایم علیه اشخاص، ج ۲۳، تهران: میزان.
- [۴۳] ملکی ایرده، مصطفی (۱۳۹۸)، بررسی جرم توهین و مجازات آن به عنوان حمایت از حیثیت اشخاص در فقه و حقوق، فصلنامه گفتمان فقه و اصول، ۴، ص ۸۲.
- [۴۴] مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰ش)، تفسیر نمونه، ج ۲۲ و ۱۷، ج ۳۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- [۴۵] _____ (۱۳۷۷ش)، انوار الفقاهه، محقق: ابراهیم بهادری، قم: مدرسه علی ابن ابی طالب علیهم السلام.
- [۴۶] محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۱ش)، دانشنامه قرآن و حدیث، مترجم: محمدرضا آذیر، ج ۱۶، قم: مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث.
- [۴۷] معین، محمد (۱۳۹۱ش)، فرهنگ فارسی، ج ۱، ج ۲۷، تهران: امیرکبیر.
- [۴۸] محسنی، مرتضی (۱۳۷۶ش)، مسئولیت کیفری، ج ۱، ج ۴، تهران: گنج دانش.
- [۴۹] نجفی (صاحب جواهر)، شیخ محمدحسن (۱۳۶۲ش)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۲، ج ۷، بیروت: دارالاحیاء و التراث العربی.
- [۵۰] نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعه فی الاحکام الشریعه، ج ۱۴، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام الإحیاء التراث.
- [۵۱] نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، بیروت: الاحیاء التراث.
- [۵۲] واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۹ق)، اسباب نزول القرآن، ج ۱، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
- [۵۳] واعظی نژاد، محمدرضا (۱۳۹۸ش)، حقوق جزای اختصاصی، تهران: جاودانه.